

در صدف

رمان ایرانی

فاطمه صابری

انتشارات دوات معاصر

۱۳۹۷

سرشناسه: فاطمه صابری / ۱۳۵۲

عنوان و نام پدیدآور: در صدف / رمان فاطمه صابری

مشخصات نشر: رشت- دوات معاصر ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۳۶-۰۳-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

منوان دیگر: رمان ایرانی

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian fiction -- 20th century

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷/۱۲۵۴ الف/۸۳۵۰ PIR

رده بندی دهی: ۸۴۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۶۲۷۹۷



در صدف

فاطمه صابری

صفحه‌آرایی: آتلیه دوات

گرافیک جلد: نینا پنجه‌ای

طرح جلد: Anca Stefanescu

چاپ اول: ۱۳۹۷ شمارگان: ۵۰۰

نشانی: رشت، بلوار معلم، خ مهر شریف، ساختمان گل مریم، پ ۲، حد ۵

تلفکس: ۰۱۳-۳۳۲۵۲۳۸۹

Email: davat1395@gmail.com

Telegram: @davatmoaser

Instagram: [davat.moaser](https://www.instagram.com/davat.moaser)

همه حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است

درّ صدف

مقدمه / ۶

فصل اول / ۹

فصل دوم / ۲۶

فصل سوم / ۵۱

فصل چهارم / ۶۱

فصل پنجم / ۶۸

فصل ششم / ۱۶

فصل هفتم / ۱۲۶

فصل هشتم / ۱۴۹

مقدمه

گمان نثار تمدن با فرهنگی غنی و آداب و رسوم سنتی خاص، عرصه‌ای گسترده را برپا می‌کند و گیل‌زنانی زحمتکش است. گیل و دیلم، سرزمین ابا و مادری، دران و مادران سختکوش ماست. در این اثر قدم بر تاریخ پر افتخار گیلان قدیم می‌گذاریم.

به راستی انسان‌های فراموش شده‌ای در تاریخ گیل و دیلم بودند، مردمانی با روح لطیف و انسانی، گیل‌زنانی که به سختی و مشقت برای ادامه‌ی زندگی، مصیبت و بدبختی زیادی را به جان خریدند و بدون گلایه، سخت‌ترین دوران را تحمل کردند؛ زیر بار غم، کمرشان خم شد اما نشکستند.

مردمانی با صورتهایی پر از چین و چروک، آفتاب سوخته، با دستان زمخت و ترک خورده، پاهایی برهنه در میان آب‌های بی‌رحم و مباشرین ظالم. خان‌های از خدا بی‌خبر و زورگو، بی‌دینی که گه‌با دنیا پایانی برای ستم‌شان نداشت؛ و زندگی را برای رعیت‌ها به مردمانی از قشر ضعیف و زحمتکش بودند، سخت می‌کردند. گیل‌مردانی که زیر سلطه‌ی هیچ اربابی نرفتند و مبارزه کردند تا حق به‌حق‌دار برسد. شیرمردانی قوی که با تمام سختی‌ها و مصیبت‌هایی که در مسیر زندگی کشیدند، سعی کردند مردانه بایستند و در برابر ناملایمت‌های زمانه بجنگند و کم نیاورند. چه زنانی که نابرابری‌ها و ستم‌ها از همسران

دیدند و دم نیاوردند. در ازای از دست دادن فرزند و همسر مقاومت کردند، حتی از خانه و کاشانه‌ی خود آواره شدند اما خم به ابرو نیاوردند. گیل زنانی که با دستان توانمندشان زحمات‌ها کشیدند و بی‌منت دوشادوش مردها کار کردند و بدون شنیدن کلام محبت‌آمیزی از طرف کسی، اما خود دنیای مهر شدند. انگار خداوند درون قلب‌شان جز بذر عشق هیچ چیز نکاشته بود.

در پایان بر خود وظیفه می‌دانم از جناب «محمد سلطانی» به واسطه‌ی راهنمایی‌های‌شان تشکر و قدردانی کنم.

www.ketab.ir